

Original Paper **The allegorical approach of "Nightingale", "the eastern wind", and "rose" in the poems of Khaghani, Hafez and Bidel Dehlavi**

Hassan Najafi Lisehrodi¹ , Mohammad Reza Shad Manamen^{*2} , Alimohammad Moazeni^{1,3} , Thoraleh Norouzi Davoodkhani^{1,4} 

Abstract

The terms "nightingale", "the eastern wind", and "rose" are three gones of an emotional,romantic relationship that has been used by poets through different eras. The common elements of the three is the fact that they exist in the nature. These three term used in the poems of poets have symbolic significance and metaphorical approach. The nightingale as the symbole of lover or poaetic "I" , wind, breathe, Saba or eastern wind as the mesenger in commute between lover (the nightingale) and beloved (rose) as the symbol of beauty or projection of beloved. In Persian literature ,specially in versed works, and in the works of three mentioned poet in present study (Khaghani, Hafiz, Bidel Dehlavi) there are plenty of natural elements such as wind, funa, and flora which are accompanied by beautiful ironies, metaphors, similies, and combinations. Allegorical approach of these elements is more prominent in hafiz poems in comparison with the two other Aforementioned sonneteers. Considering the various functions, this study aimed to investigate the allegorical approach of these symbols and compare their functions in the poems of the three poets.

Keyword: eastern wind, rose, Hafiz, Khaghani, Bidel Dehlavi.

1. Assistant Professor and Faculty Member of Islamic Azad University, Khalkhal Branch.
2. Assistant Professor and Faculty Member of Payame Noor University, Khalkhal Branch.
3. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty Member, University of Tehran.
4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Please cite this article as (APA): Khalife, Mahdi., Ebrahimi, Ghorbanali., Chatraei, Mehrdad., (2022). The Use of Gnomonic Verse (Proverbs) in the Tales of One Thousand and One Nights. *Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature*, 51(14): 105-127. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1401.14.51.1.7>.

 Creative Commons: CC BY-SA 4.0  **DOR:** 20.1001.1.2717431.1401.14.52.6.4

Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 52 / Summer 2022

Received: 06 February 2022

Received in revised form: 09 April 2022

Accepted: 07 June 2022

Published online: 08 July 2022



مقاله پژوهشی **رویکرد مقایسه‌ای تمثیلی «بلبل»، «باد صبا» و «گل» در**

اشعار خاقانی، حافظ و بیدل دهلوی

حسن نجفی لیسه‌رودی^۱، محمدرضا شاد منامن^{۲*}، علی محمد مؤذنی^۳، ثوراله نوروزی داودخانی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رویکرد مقایسه‌ای تمثیلی «بلبل»، «باد صبا» و «گل» در اشعار خاقانی، حافظ و بیدل دهلوی صورت پذیرفته است. واژه‌های «بلبل»، «باد صبا» و «گل» اضلاع یک رابطه احساسی و عاشقانه هستند. هر سه واژه بکارگرفته شده در اشعار این شاعران دارای رویکردی تمثیلی درباره نمادهای مختلف هستند. اهمیت و ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که شناخت بهتر اضلاع تشکیل دهنده این رابطه می‌تواند کمک موثری به ما در شناخت ویژگی‌های شعری شاعرانی چون خاقانی، حافظ و بیدل دهلوی نماید. این تحقیق با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ای و با بررسی دیوان اشعار این شعرا و منابع پیرامونی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد که بلبل، تمثیل عاشق، باد، نسیم، صبا یا باد صبا تمثیل یک رابط و پیغام رسان در حال تردد میان عاشق و معشوق و گل به عنوان مظهر زیبایی طبیعی تمثیلی از معشوق جلوه می‌نماید. با بررسی اشعار شاعران مورد نظر عناصر فراوانی از طبیعت اعم از باد، حیوانات و گیاهان به چشم می‌خورد که همراه با کنایه، استعاره، تشبیهات و ترکیبات زیبایی هستند. این رویکرد تمثیلی در اشعار و غزلیات حافظ از برجستگی بیشتری نسبت به خاقانی و بیدل دهلوی برخوردار است. این پژوهش در صدد است تا با بررسی رویکرد تمثیلی این نمادها به مقایسه کارکردهای آن‌ها در اشعار این شاعران بپردازد.

واژگان کلیدی: باد صبا، گل، حافظ، خاقانی، بیدل دهلوی.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. hasan.najafi.lisehrodi@gmail.com
۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. mohammadrezashadmanamen@gmail.com
۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Moazzni@ut.ac.ir
۴. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. th.nouruzi@gmail.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: نجفی لیسه رودی، حسن، شاد منامن، محمد رضا، مؤذنی، علی محمد، نوروزی داودخانی، ثورالله. (۱۴۰۱). رویکرد مقایسه‌ای تمثیلی «بلبل»، «باد صبا» و «گل» در اشعار خاقانی، حافظ و بیدل دهلوی. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۴ (۵۲): ۱۰۵-۱۲۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1401.14.52.6.4>



حق مؤلف © نویسندگان.

DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.52.6.4

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و دوم / تابستان ۱۴۰۱ / از صفحه ۱۰۵-۱۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۷ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۱/۴/۱۷

مقدمه

ادبیات فارسی سرشار از مصادیقی است که با دارا بودن رویکرد تمثیلی از جمله نماد، کنایه، ایهام دارای مثال‌های عینی در طبیعت هستند. از جمله این مثال‌واره‌های طبیعی می‌توان به بلبل، باد (باد صبا)، گل، گلاب، مشک و نافه اشاره کرد. بعضی از شاعران زمینه اصلی شعر خود را به وصف طبیعت و جلوه‌های گوناگون آن اختصاص داده‌اند و گروهی دیگر تنها به بعضی از عناصر خاص طبیعی پرداخته‌اند ولی تلقی و نگاهی فراتر از نگاه عام و عادی به طبیعت داشته‌اند. این نگاه خاص، ظریف و خیال‌انگیز سبب شده است که بعضی از عناصر طبیعی همچون «قهرمان شعری» در شعر فارسی مطرح شوند.

تمثیلات در نزد شاعران برای رساندن منظور از جایگاه ویژه و درخور توجه برخوردار است. استفاده از صور خیال و عناصر طبیعی به عنوان تمثیل با کارکرد نمادگرایی، تشبیه و کنایه در اشعار حافظ و خاقانی به وفور قابل مشاهده است. رویکرد تمثیلی با استفاده از نمادهای طبیعی همچون گل، بلبل و باد صبا در اشعار این سه شاعر دیده می‌شود. هر سه شاعر نسبت به باد صبا دیدگاه تقریباً مشترکی دارند و آن را به عنوان یک نماد ارتباطی و مثالی از پیک و رابط که پیام‌رسانی است بین عاشق و معشوق در نظر می‌گیرند. گاه باد صبا از عاشق به سوی معشوق می‌وزد که در اینجا وظیفه رساندن سلام، درود، شرح هجران و غم و دل‌تنگی عاشق نسبت به معشوق را برعهده دارد و گاهی از سوی معشوق به سمت عاشق می‌وزد که در اینجا کارکرد رساندن بوی معشوق و شرح حالات او را برعهده دارد. در اشعار حافظ، عاشق شیدا همان بلبل و عندلپ یا هزارستان است که از این منظر در اشعار خاقانی و بیدل دهلوی کمتر به آن برمی‌خوریم. مثال گل در اشعار این شاعران تمثیلی از جایگاه معشوق در اشعار حافظ و شادابی و کوتاهی عمر در اشعار خاقانی و بیدل دهلوی دارد.

خیال یا تصویر، حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است و این منعکس شده از ضمیر ناخودآگاه شاعران است. حافظ در بکارگیری تمثیلات نسبت به شاعران دیگر برای غنای محتوای شعری خود، سعی و تلاش وافر نموده است. برای همین منظور از صور مختلف خیال بهره گرفته و منظور خود را در لفافه بیان می‌کند.

هدف این مقاله بررسی و مقایسه رویکرد تمثیلی بلبل، باد، باد صبا و گل در اشعار خاقانی، حافظ و بیدل دهلوی است که با روش توصیفی و تحقیقی انجام گرفته است. اشعار مورد بررسی گرفته شامل غزلیات، قصیده‌ها، ترجیعات و رباعیات سروده شده آن‌ها می‌باشد که در بین این شاعران تعداد

غزلیات بیدل دهلوی از نظر کمیت دارای بیشترین بسامد است. اما در دیوان خاقانی قصیده‌های نسبت به غزلیات از بسامد و دامنه بیشتری برخوردار هستند.

بیان مسأله

شاعران ادب غنایی به طور کلی و حافظ به طور اخص علاقه خاصی به باد صبا دارد فقط کلمه «صبا» یا « باد صباد» را بیش از نود و هفت بار در اشعارش بکار برده در حالی که از واژه‌های دیگر مانند نسیم «شمال» یا «باد» نیز در اشعار خود نام برده است. واژه باد صبا در دیوان خاقانی هجده بار تکرار شده است و در دیوان بیدل دهلوی سه بار تکرار گردیده است. باد صبا یا صبا یکی از قهرمانان و موجودات شعری فعال خاقانی، حافظ و تا حدودی بیدل دهلوی است صبا لطیف و چالاک و ناپیدا است به همین علت ناپیدا بودن و جنبه مرموز دارد. باد صبا در حقیقت عنصری حاضر و دستمایه غنی و پرکشش برای خلاقیت و ظرافت تعبیر این شاعر است. همزمانی «سحر» بهترین و کارآمدترین زمان وزش باد صبا است. اما در این «بهترین زمان» زیباترین گمان‌ها و گفتگوهای شاعرانه نیز سر می‌گیرد.

با روی تو گل لاف طراوت زد از آنرو پامال ره باد صبا شد چه بجا شد
(بیدل دهلوی، غزل ۱۲۲۱/ بیت ۱۰)

سحر بلبل حکایت با صبا کرد که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد
(دیوان حافظ، ۱۳۸۸، غزل ۱۳۰/ بیت ۱)

گر اثر روی تو سوی گلستان رسد باد صبا رد کند تحفه نروز را
(خاقانی، دیوان اشعار، غزل ۲: بیت ۶)

باد صبا تمثیلی از پیک، نامه‌بر و پیغام رسانی است که مدام بین دو طرف ارتباطی دلداده و دلبر در رفت و آمد است و به‌ویژه عاشقی از وی می‌خواهد که برای لحظه‌ای هم او را از معشوق بی‌خبر نگذارد و این اطلاع پیوسته انجام دهد. بیشترین میزان نفس باد صبا در همین جا است به گونه‌ای که حافظ باد صبا را در سیزده غزل و در هر غزل توسط یک یا چند بیت به‌خوبی مامور این کار کرده است.

صبا اگر گذری افتدت به‌کشور دوست بیار نفعه‌ای از گیسوی معنیر دوست

(دیوان حافظ، ۱۳۸۸، غزل ۶۱/ بیت ۱)

زان زلف مشک رنگ نسیمی به ما فرست یک موی سر به مهر به دست صبا فرست

(خاقانی، غزل ۴۹/ بیت ۱)

باد صبا گاهی پیام‌بر و خوش‌خبر و مژده مطرب و شادی گلشن و از کوی یار و خبرهای خوب به عاشق می‌رساند که روزهای جدایی و غم به سر آمده است.

هم عفا الله صبا کز تو پیامی می‌داد ورنه در کس نرسیدیم که از کوی تو بود

(دیوان حافظ، ۱۳۸۸، غزل ۲۱۰/ بیت ۳)

یکی از صنایع ادبی که بیدل به آن بسیار توجه کرد و نه تنها در سبک هندی بسامد آن بالا می‌رود، بلکه در شعر بیدل بیشترین بسامد را داشته است حس آمیزی است و حتی از بسامد بالای گل در این صنعت ادبی بسیار استفاده کرده است.

از زبان برگ گل بشنو نوای عندلیم که در گوشم زبوی گل نوای تیر می‌آید

(دیوان بیدل دهلوی : غزل ۳۹۰)

بر هر گلی دمیده است افسون آرزویی بوی شکسته رنگی، رنگ شکسته بویی

(دیوان بیدل دهلوی : ۲۸۲۰)

یکی از موضوع‌های جدید سبک هندی که شاعران با آن مضامین بسیاری ساخته‌اند گل‌های کاغذی است.

گل کاغذی رمزی است که زیبایی فاقد شرم یا زیبایی فاقد معنوی است.

حسن را بی عرق شرم طراود نبود گل کاغذ به از آن گل که بر آن شبنم نیست

(دیوان بیدل دهلوی : ۹۳۵)

یا موضوع گل‌های قالی در اشعار بیدل مانند غنچه تصویر یا بلبل تصویر در نظر بیدل یادآور سکون و آرامش است:

عمریست در ادبکده‌ی بوریای فقر آسوده‌تر ز نکه‌ت گل‌های قالی‌ام
(دیوان بیدل دهلوی: ۲۰۰۰)

حافظ از گل به عنوان مستوره‌ای پنهان و زیبارویی شرمگین در پس پرده‌ای یاد می‌کند و از گلاب به‌عنوان جنسی بازاری و همیشه در دسترس که نه زیبایی گل را دارد و نه عطر واقعی آن را دارد.

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد
(دیوان حافظ، ۱۳۸۸، غزل ۱۶۱/ بیت ۶)

اهمیت و ضرورت تحقیق

طبیعت از ابتدا تا امروز همواره یکی از خواستگاه‌ها و سرچشمه‌های هنر بوده است و ما شاید آثار بسیاری از بزرگان و شاعران نامدار هستیم که سر چشمه آن از طبیعت مایه گرفته است حتی در موسیقی که هنر شنیداری است در وهله اول چنین بنظر می‌رسد که با طبیعت هیچ ارتباطی نیست در صورتی که بسیاری از آثار معروف آهنگسازان نامدار جهان خواستگاهی طبیعی دارند. تاثیر طبیعت از همه بارزتر در هنر شعر از قدیم‌ترین ایام تاکنون در آثار منظوم و شاعرانه همه کشورهای جهان دیده می‌شود. از آغاز قصاید قصیده سرایان قرن پنجم و ششم مثل فرخی و ازرقی و خاقانی و بوئیه منوچهری که اصلاً شاعر طبیعت نام گرفته است و جزاینان شاعران دیگر هم که البته مستقیماً با طبیعت صرف روبرو نیستند یعنی صرف وصف طبیعت را در شعر آنان نمی‌توان دید ولی آن‌ها نیز به نحوی با طبیعت درآمیختند و در اشعار آن‌ها تصویرهای گوناگون طبیعت در حکم نظر ما به ازای بیان اندیشه‌های آن‌ها است. البته شاعرانی بوده‌اند و هستند که مطلقاً با طبیعت سروکار نداشتند و طبیعت همواره در حاشیه شعر آن‌ها و در حقیقت تحت الشعاع دور پروازی‌های تخیل و تفکر آن‌ها بوده است مثل فردوسی، مولوی، حافظ و شاید بتوان گفت که در یک دوره از تاریخ همه انسان‌ها شاعر بوده‌اند در آن دوره‌ای که از رویدادهای عادی طبیعت در شگفت بوده‌اند و هر نوع ادراک حسی از محیط بر آن‌ها تازگی داشت حیرت‌آور بود و نام نهادن بر اشیا خود ابهام شعری بوده است. تجربه شعری چیزی نیست که حاصل اراده شاعر باشد بلکه یک رویداد روحی است که ناگاه در ضمیر او انعکاس می‌یابد.

در ارتباط با این موضوع و صور خیال و برداشت‌های شاعران از طبیعت دسته‌بندی‌های گوناگونی را می‌توان انجام داد با توجه به موارد ذکر شده اهمیت این تحقیق را در این نکته‌ها می‌توان ذکر کرد.

۱. مقایسه اندیشه‌های شاعران مذکور در ارتباط با موضوع تحقیق با هم.
۲. گردآوری صور تمثیلی خیال شاعران مورد نظر در ارتباط با موضوع و تطبیق مواضع آنان با هم.
۳. بررسی تمثیلی و مقایسه‌ای باد صبا و مشک و نافه و گل در اشعار شاعران مورد نظر.
۴. بررسی اختلاف نظر شاعران مذکور در مورد تمثیل گل و گلاب و نافه و مشک و باد صبا.

اهداف تحقیق

- بررسی تمثیلی باد، باد صبا، گل و بلبل در دوره‌های مختلف شاعران سنتی از جمله حافظ و بیدل و خاقانی.
- بررسی تفاوت‌های سبکی شاعران مدنظر چه از نظر معنایی و چه از نظر شیوه بیان و نحوه بکارگیری تمثیل با استفاده از این عناصر و میزان رنگ شاعرانه زدن به اشعار خود برای پدیده‌های طبیعی.

پیشینه تحقیق

تحقیقات گذشته‌ای که در رابطه موضوع مقاله صورت پذیرفته است با تحقیق حاضر دارای نکات اشتراک و افتراقی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد. مالمیر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای «گل را نمادی از معارف باطنی اهل معرفت و حقایق مکشوف روحانی آنان معرفی می‌کند». مالمیر در این تحقیق تنها به گل توجه نموده آن هم از دیدگاه عرفانی در حالی که در این تحقیق گل تنها یک حلقه از زنجیره ارتباطی عاشق و معشوق است. در این تحقیق گل به عنوان نمادی از معشوق، تری و تازگی و کوتاهی عمر است.

فدوی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای می‌گوید: «حافظ عوامل طبیعی را به مدد شیوه‌های بیان چون تشبیه و استعاره به کار گرفته تا به وسیله‌ی آن مسائل مختلفی چون مسائل عرفانی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی و فلسفی و ... را در لفافه و به طور غیرمستقیم بیان کند.» در مقاله حاضر تنها بحث سخن‌گویی حافظ مطرح نیست بلکه اقدام به بررسی سخن هر سه شاعر از جمله خاقانی، حافظ و بیدل دهلوی پرداخته

شده است. سخن و لفظ و طبع شعری هر سه شاعر مطرح از منظر بکارگیری عناصر طبیعی با یکدیگر مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند.

ایرانی و منصور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای می‌نویسد: «کارکردهای هنری گل و گیاه به معنی بررسی هنرهایی است که با محوریت گل‌ها و گیاهان در اشعار هنرمندانه‌ی حافظ شکل گرفته است.» اما در این تحقیق علاوه بر حافظ بکارگیری عناصر طبیعی همچون باد، بادصبا، بلبل و گل توسط دو شاعر دیگر از جمله خاقانی و بیدل دهلوی مورد توجه قرار دارد که از این منظر با تحقیق ایرانی و منصور دارای تفاوت عمده‌ای است.

سیف (۱۳۷۹) در مقاله‌ای می‌نویسد: «باد جایگاه ویژه‌ای در اشعار حافظ دارد، چرا که سریع و بی دریغ وظیفه آوردن و بردن خبر را برای عاشق و معشوق بر عهده دارد در سحر کلام خواجه شیراز، باد و انواع آن چون صبا، نسیم و شمال حضور دارند که این حضور عامل حرکت و شادابی گردیده است.» این تحقیق انجام شده تنها به عنصر طبیعی باد آن هم فقط در کلام حافظ اختصاص یافته اما آنچه حائز اهمیت است بررسی فقط باد یا باد صبا در کلام حافظ بدون پرداختن به دو عضو دیگر یعنی گل و بلبل، الکن است و بایستی این سه عضو زنجیره عشق را با هم سنجید تا بتوان به یک الگوی مناسب در کلام حافظ و یا حتی خاقانی و بیدل دهلوی دست یافت. با توجه به بررسی‌های بعمل آمده و جستجو در فضای مجازی به نظر می‌رسد که این تحقیق بکر بوده و هیچگونه مقاله‌ای در این مورد چاپ نشده و همین امر موجب جلب نظر اینجانب در انتخاب موضوع بوده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

باد صبا

باد به طور عام و باد صبا به صورت خاص یکی از عناصر طبیعی است که به وقت سحر از جانب شمال شرقی می‌وزد. این باد بنا به باور قدما بادی روح بخش، جان افزا و زندگانی بخش بوده و طلیعه سحر را بشارت می‌دهد. غریب به اتفاق شاعران در سروده‌هایشان از این باد به نیکویی یاد کرده‌اند. این باد نام‌های مختلفی همچون باد شرقی، باد شامل شرقی، باد صبا و باد قبول با خود دارد.

«باد صبا در اصطلاح قدیمیان بادی را می‌گویند که از سوی شمال شرقی بوزد. باد صبا را بادی صبحگاهی، بهاری و لطیف و خنک می‌دانستند. قدما بر این باورند که محل شروع این باد مطلع خوشه

پروین است و محل خاتمه آن صورت فلکی هفت اورنگ می‌باشد. در ادبیات فارسی، باد صبا باعث شکوفایی طبیعت می‌شود و عاشقان راز خود را با باد صبا می‌گویند. باد صبا بادبست که از مابین شرق و شمال می‌وزد» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

صبا را بادی دانسته که صبح در وقت طلوع آفتاب از مشرق می‌وزد. در منتهی‌الارب، صبا بدین صورت معنی شده: «باد برین که جای وزیدن آن از مطلع ثریا تا بنات‌النش است و آن را قبول هم نامند خلاف غربی می‌وزد و آن را باد غربی هم می‌گویند» (گی‌آرتور، ۱۳۶۹: ۹۸). «در فرهنگ‌های فارسی بادها با نام‌های مختلف ذکر شده که نقش مثبت از آن باد صبا یا باد شمال شرقی است و با نام‌های باد برین، قبول، باد مشرق و باد شرق هم آمده است» (کیا و تقه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۵).

در نزد حافظ باد چون امانتداری است که خبری از یار را به مقصد می‌رساند و رازدار عاشق است، با این همه نمی‌توان به او اعتماد کرد، چرا که «گاهی باد هم از بوی یار مست می‌شود و خود عاشق او می‌گردد. نقش و وظیفه باد تنها خبر رسانی نیست، بلکه بوی زلف، بوی نفس و جامه، بدن و رخ، کوی یار، نسیم خط و نسیم گلشن جان را به عاشق می‌رساند» (فرشیدورد، ۱۳۵۷: ۱۰۸).

ترکیبات و توصیفات باد صبا در دیوان حافظ:

باد صبا: (غزل ۶۹ / بیت ۵)، (غزل ۹۵ / بیت ۶) و (غزل ۱۳۰ / بیت ۸)؛ نسیم باد صبا (غزل ۱۴۷ / بیت ۱)؛ نسیم صبا: (غزل ۱۲۲ / بیت ۱۸)؛ نفس باد صبا: (غزل ۱۶۴ / بیت ۱)؛ پیک صبا: (غزل ۱۳۸ / بیت ۶)، (غزل ۴۶۷ / بیت ۶) و (غزل ۴۷۱ / بیت ۱)؛ برید صبا: (غزل ۸۸ / بیت ۷۳)؛ بلبل صبا: (غزل ۳۴ / بیت ۳)؛ هدهد صبا: (غزل ۹۰ / بیت ۱)؛ عیسی صبا: (غزل ۹۳ / بیت ۸)؛ تماشاخانه باد صبا (غزل ۴۰۲ / بیت ۳)؛ دستبرد صبا: (غزل ۳۸۸ / بیت ۴)؛ دست صبا: (غزل ۱۶ / بیت ۷) و (غزل ۴۲۰ / بیت ۲)؛ پشت صبا: (غزل ۳۱ / بیت ۷)؛ غیرت صبا: (غزل ۸۸ / بیت ۳)؛ بیماری صبا: (غزل ۱۲۹ / بیت ۵)؛ غماز صبا: (غزل ۱۲۰ / بیت ۵) و (غزل ۱۹۵ / بیت ۲)؛ بند برگردن صبا: (غزل ۴۰۲ / بیت ۵).

ترکیبات باد صبا در دیوان بیدل دهلوی:

باد صبا: (غزل ۹۴۰ / بیت ۹)؛ غزل ۱۲۲۱ / بیت ۱۰)؛ صبا (غزل ۳۰ / بیت ۲)؛ غزل ۳۵۷ / بیت ۴)؛ غزل ۳۹۹ / بیت ۷)؛ غزل ۶۳۴ / بیت ۱۱)؛ غزل ۶۵۹ / بیت ۱)؛ غزل ۱۱۴۷ / بیت ۳)؛ غزل ۱۲۸۸ / بیت ۴)؛ غزل ۱۶۱۱ / بیت ۵)؛ غزل ۱۶۷۳ / بیت ۹)؛ غزل ۱۸۳۱ / بیت ۱۱)؛ غزل ۱۸۳۲ / بیت ۱)؛ غزل ۱۸۳۴ / بیت ۷)؛ غزل ۲۱۹۲ / بیت ۶)؛ غزل ۲۲۶۹ / بیت ۲)؛ غزل ۲۳۹۸ / بیت ۲)؛ غزل ۲۶۴۶ / بیت ۳)؛ غزل ۲۸۲۲ / بیت ۳)؛ نسیم: (غزل ۲ / بیت ۴)؛ غزل ۳۲ / بیت ۸)؛ غزل ۴۰ / بیت ۱)؛ غزل ۹۶ / بیت ۷)؛ غزل ۱۴۸ / بیت ۵)؛ غزل ۱۵۲ / بیت ۹)؛ غزل ۱۶۵ / بیت ۴)؛ غزل ۱۸۶ / بیت ۴)؛ غزل ۲۱۷ / بیت ۱۱)؛ غزل

۲۳۰ / بیت ۱؛ غزل ۲۳۱ / بیت ۱۴؛ غزل ۲۳۵ / بیت ۴؛ غزل ۲۵۸ / بیت ۴؛ غزل ۲۸۵ / بیت ۱۴؛ غزل ۲۸۷ / بیت ۱۲؛ غزل ۳۰۱ / بیت ۷؛ غزل ۳۹۰ / بیت ۱۲؛ غزل ۴۰۰ / بیت ۸؛ غزل ۴۲۳ / بیت ۱۲؛ غزل ۴۴۳ / بیت ۱؛ غزل ۴۸۲ / بیت ۱؛ غزل ۴۸۴ / بیت ۴؛ غزل ۴۹۰ / بیت ۸؛ غزل ۵۱۷ / بیت ۱۰؛ غزل ۵۳۵ / بیت ۲؛ غزل ۵۳۶ / بیت ۹؛ غزل ۵۳۸ / بیت ۳؛ غزل ۵۴۰ / بیت ۲؛ غزل ۶۶۴ / بیت ۴؛ غزل ۷۴۴ / بیت ۱۰؛ غزل ۸۰۷ / بیت ۱؛ غزل ۸۱۲ / بیت ۱۰؛ غزل ۸۷۶ / بیت ۳؛ غزل ۸۷۹ / بیت ۳؛ غزل ۹۱۷ / بیت ۷؛ غزل ۹۱۹ / بیت ۷؛ غزل ۹۷۹ / بیت ۳؛ غزل ۱۰۴۴ / بیت ۱۰؛ غزل ۱۰۷۹ / بیت ۶؛ غزل ۱۱۶۰ / بیت ۱۱؛ غزل ۱۱۷۵ / بیت ۴؛ غزل ۱۱۹۸ / بیت ۸؛ غزل ۱۲۷۳ / بیت ۳؛ غزل ۱۳۰۳ / بیت ۹؛ غزل ۱۳۰۵ / بیت ۲؛ غزل ۱۳۳۰ / بیت ۶؛ غزل ۱۳۳۹ / بیت ۹؛ غزل ۱۳۴۴ / بیت ۲؛ غزل ۱۳۴۵ / بیت ۲؛ غزل ۱۴۲۵ / بیت ۵؛ غزل ۱۴۳۶ / بیت ۱۰؛ غزل ۱۵۲۵ / بیت ۸؛ غزل ۱۵۳۴ / بیت ۱۰؛ غزل ۱۵۳۸ / بیت ۸؛ غزل ۱۵۹۱ / بیت ۲؛ غزل ۱۶۰۵ / بیت ۱۲؛ غزل ۲۲۴۷ / بیت ۱۰؛ غزل ۲۰۸۵ / بیت ۵؛ غزل ۲۰۷۱ / بیت ۸؛ غزل ۱۹۹۱ / بیت ۹؛ غزل ۱۹۴۳ / بیت ۵؛ غزل ۱۹۳۱ / بیت ۷؛ غزل ۱۸۷۲ / بیت ۱۰؛ غزل ۱۸۶۸ / بیت ۱؛ غزل ۱۸۵۱ / بیت ۶؛ غزل ۱۷۱۹ / بیت ۳؛ غزل ۱۷۱۱ / بیت ۱۰؛ غزل ۱۶۷۸ / بیت ۵؛ غزل ۱۶۶۳ / بیت ۴؛ غزل ۱۶۳۱ / بیت ۸؛ غزل ۲۲۵۴ / بیت ۹؛ غزل ۲۲۵۷ / بیت ۷؛ غزل ۲۲۵۶ / بیت ۷؛ غزل ۲۲۷۳ / بیت ۷؛ غزل ۲۲۸۲ / بیت ۱۰؛ غزل ۲۳۱۲ / بیت ۴؛ غزل ۲۳۱۳ / ابیات ۲ و ۱۳؛ غزل ۲۳۳۸ / بیت ۷؛ غزل ۲۳۷۶ / بیت ۱۲؛ غزل ۲۳۹۹ / بیت ۷؛ غزل ۲۴۷۳ / بیت ۱۰؛ غزل ۲۴۸۹ / بیت ۴؛ غزل ۲۵۲۱ / بیت ۲؛ غزل ۲۵۵۳ / بیت ۱۱؛ غزل ۲۶۰۷ / بیت ۸؛ غزل ۲۶۴۶ / بیت ۲؛ غزل ۲۲۶۷ / بیت ۶؛ غزل ۲۶۹۳ / بیت ۳؛ غزل ۲۷۱۰ / بیت ۱؛ غزل ۲۷۲۶ / بیت ۱؛ غزل ۲۷۷۴ / بیت ۴)

ترکیبات باد صبا در دیوان خاقانی:

باد صبا: (غزل ۲/بیت ۶؛ غزل ۴۴/بیت ۴؛ غزل ۱۰۲/بیت ۷؛ غزل ۱۷۷/بیت ۹؛ غزل ۳۴۴/بیت ۱؛ مطلع چهارم شماره ۲۱۴/بیت ۴۴) صبا: (غزل ۹۸/بیت ۱؛ غزل ۱۸۹/بیت ۱؛ قصیده ۳/بیت ۴۵؛ قصیده ۵/بیت ۱۳؛ قصیده ۶/بیت ۴۷؛ قصیده ۹/بیت ۲؛ قصیده ۱۰/بیت ۱۷؛ قصیده ۱۳/بیت ۷؛ قصیده ۱۸/بیت ۷؛ قصیده ۴۶/بیت ۴؛ قصیده ۸۱/بیت ۳؛ قصیده ۹۲/بیت ۳؛ قصیده ۱۰۱/بیت ۱۲؛ قصیده ۱۵۰/بیت ۱۰؛ قصیده ۱۵۴/بیت ۷؛ قصیده ۱۶۱/بیت ۱۰؛ قصیده ۱۷۲/بیت ۱۲؛ قصیده ۱۸۵/بیت ۲۹؛ قصیده ۲۰۲/بیت ۴؛ قصیده ۲۱۰/بیت ۱۴؛ قصیده ۲۲۳/بیت ۴؛ قطعات ۴/بیت ۲) نسیم: (غزل ۷/بیت ۴؛ غزل ۴۱/بیت ۱۳؛ غزل ۴۹/بیت ۱؛ غزل ۱۰۴/بیت ۲؛ غزل ۱۱۶/بیت ۳؛ غزل ۲۷۱/بیت ۱؛ غزل ۲۸۴/بیت ۹؛ غزل ۲۹۸/بیت ۶؛

غزل ۳۲۷/بیت ۴؛ غزل ۳۶۲/بیت ۷؛ قصیده ۵/بیت ۱۹؛ قصیده ۹/بیت ۴؛ قصیده ۱۳/بیت ۶؛ قصیده ۴۶/بیت ۱۱؛ قصیده ۶۹/بیت ۱۱؛ قصیده ۷۰/بیت ۱۸؛ قصیده ۸۴/بیت ۲۲؛ قصیده ۸۵/بیت ۶؛ قصیده ۹۲/بیت ۳؛ قصیده ۱۱۶/بیت ۴۵؛ قصیده ۱۲۷/بیت ۶؛ قصیده ۱۳۷/بیت ۲۵ و ۴۴؛ قصیده ۱۴۷/بیت ۴۷؛ قصیده ۱۴۹/بیت ۲۵؛ قصیده ۱۵۸/بیت ۹؛ قصیده ۱۷۹/بیت ۵۵؛ رباعی ۱۲۲/ابیات ۱ و ۲؛ قطعه ۱۱۸/بیت ۸؛ ترجیعات ۴/بیت ۱۸؛ ترجیعات ۷/ابیات ۳۶ و ۶۱ (باد صبح: (غزل ۴۴/بیت ۱؛ غزل ۵۱/بیت ۴) نسیم صبح: (غزل ۱۲۹/بیت ۴؛ غزل ۲۰۲/بیت ۵) دست صبا: (مطلع دوم شماره ۲/بیت ۹؛ قصیده ۱۰/بیت ۱۶؛ قصیده ۱۱۱/بیت ۱؛ غزل ۴۹/بیت ۱) دهان صبا: (قصیده ۱۵۰/بیت ۱۰)

کارکردها و ویژگی‌های تمثیلی باد صبا در اشعار

۱) رابط بین عاشق و معشوق

باد و به خصوص باد صبا از منظر شاعران مطرح در این پژوهش تمثیلی از ارتباط میان عاشق و معشوق را بر عهده دارد؛ این وظیفه از دو جنبه قابل بررسی است گاهی از عاشق خبر به معشوق می‌رساند و زمانی پیامی از معشوق به عاشق می‌دهد.

الف) خبر رسانی از عاشق به معشوق

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
(دیوان حافظ، غزل ۴ / بیت ۱)

ز شبنم اشک می‌ریزد صبا ای غنچه بر پایت به حال‌گریه آشفته‌گان خندیدنت نازم
(بیدل دهلوی، غزل ۲۱۹۲/بیت ۶)

گر اثر روی تو سوی گلستان رسد باد صبا رد کند تحفه‌ی نوروز را
(دیوان خاقانی، غزل ۲ / بیت ۶)

در بیت اول «صبا» تمثیل و کنایه‌ای از یک پیک و پیغام‌بری است که قرار است با نرمی و لطافت خود پیام عاشق سرگردان آواره‌ای را به «غزال رعنا» که تمثیلی از معشوق و دلبر است برساند. این رویکرد تمثیلی در اکثر ابیات غزل‌های حافظ درباره باد صبا و صبا دیده می‌شود. این کارکرد در شاهد مثال ذکر شده برای اشعار بیدل دهلوی نیز دیده می‌شود. صبا در این بیت برای معشوق خبر از گریه‌ی

آشفته‌ی عاشق می‌برد. در بیتی که از خاقانی به عنوان شاهد مثال آورده شده است به وضوح کارکرد صبا به عنوان پیام‌رسان و پیک قابل مشاهده است. علاوه بر این دو نمونه در غزل‌هایی که شماره‌ی آن‌ها در زیر بیان می‌گردد، این وظیفه را بیان نموده‌اند:

ب) پیام‌رسانی از معشوق برای عاشق

با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته‌ای بوکه بویی بشنویم از خاک بستان شما
(دیوان حافظ، غزل ۱۲ / بیت ۵)

در بیت بالا باز هم صبا تمثیل و کنایه‌ای از پیام‌رسانی با ارسال گلدسته‌ای از عاشق به معشوق با ذکر این عنوان که بوی معشوق را برای عاشق آورده است تداعی می‌کند. در واقع شاعر در این بیت دسته گل را به عنوان وجه مثال پیامی برای ابراز علاقه به معشوق در نظر گرفته است.
زان زلف مشک رنگ نسیمی به ما فرست یک موی سر به مهر به دست صبا فرست
(دیوان خاقانی، غزل ۴۹ / بیت ۱)

در این بیت که به عنوان شاهد مثالی از اشعار خاقانی آورده شده است صبا به عنوان تمثیلی از یک پیام‌رسان یا پیک که از معشوق به سوی عاشق می‌وزد به رساندن پیام یا بوی موی معشوق به عاشق مشغول است.

صبا زگیسوی مشکبارت اگر رساند پیام چینی چو شبنم از داغ لاله‌گردد عرق ز ناف غزاله پیدا
(بیدل دهلوی، غزل ۳۰ / بیت ۲)

در این بیت از دیوان بیدل دهلوی صبا به عنوان تمثیلی از پیک یا پیام‌رسان که از سوی معشوق پیامی حاوی بوی زلف یار به سوی عاشق می‌وزد.

۲) صبا بوی معشوق و یاد او را می‌رساند

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایان بنوازد آشنا را
(دیوان حافظ، غزل ۶ / بیت ۵)

در این بیت نیز شاعر نسیم صبحگاهی را به پیام‌رسانی از معشوق تمثیل نموده و به کنایه نسیم صبحگاهی یا همان باد صبا را پیغام‌بری فرض نموده که بین عاشق و معشوق در حال تردد است.

بر رنگ و بوی صد چمن آشفتنگی نوشت زان طره نسخه‌ای که به دست صبا رسید
(بیدل دهلوی، غزل ۱۶۱۱ / بیت ۵)

در این بیت شاعر از نسیم (باد صبا) با رویکردی تمثیلی با کنایه‌ای ظریف بعنوان آورنده بوی زلف یار که او را به یاد معشوق می‌اندازد یاد می‌کند.

طبع تو دمساز نیست عاشق دلسوز را خوی تو یاری‌گر است یار بدآموز را
(خاقانی، غزل ۲ / بیت ۱)

به عنوان نمونه‌ای دیگر در این بیت باز هم صبا کنایه‌ای از پیام‌رسانی و پیک از که بوی یار یا معشوق را برای عاشق یا شاعر به همراه دارد. در این بیت صبا با رویکردی تمثیلی کارکرد پیام‌رسانی را برعهده دارد.

۳) بوی کوی یار

در این کارکرد صبا به عنوان تمثیلی از پیک، پیام‌بر و پیغام‌بر بین معشوق و عاشق به بردن بویی از محل زندگی و محل گذر معشوق مشغول است
ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست
(دیوان حافظ، غزل ۱۹ / بیت ۱)

در این بیت نسیم سحر یا همان باد صبا به عنوان کسی که از کوی یار گذر می‌نماید مورد مثال و سوال واقع شده است. مه یا ماه به یار تمثیل شده که صفت عاشق‌کشی جوانمرد را با خود به همراه دارد.

صبا تا گردی از خاک سر راه تو می‌آرد چمن در کاسه گل می‌کند درپوزه‌ی بویش
(بیدل دهلوی، غزل ۱۸۳۴ / بیت ۷)

در این بیت از دیوان بیدل دهلوی، صبا به عنوان تمثیلی از پیک که گردی از خاک قدم‌گاه معشوق به سمت عاشق می‌آورد معرفی می‌گردد که با کارکرد رساندن بوی کوی یار به عاشق مطابقت دارد.

آن زمان کو زلف را سر می‌برد از صبا پیوندد عنبر می‌برد

(خاقانی، غزل ۹۸/ بیت ۱)

در برخی از اشعار خاقانی شروانی نیز کارکرد رساندن یا آوردن بوی کوی یار توسط صبا به عنوان تمثیلی از پیک یا پیام‌آوری دیده می‌شود. مانند بیت بالا که به این نکته اشاره دارد.

۴) بوی بدن، رخ و زلف یار

تا سر زلف تو در دست نسیم افتادست دل سودازده از غصه دو نیم افتادست

(دیوان حافظ، غزل ۳۶/ بیت ۱)

جان مرا هدیه کرد بوی سر زلف یار از نفحات ربیع در حرکات صبا

(خاقانی، مطلع ۱۳/ بیت ۷)

صبا بوی سر زلف که می‌آرد درین گلشن که زخم گل ندارد التیام از مرهم شبنم

(بیدل دهلوی، غزل ۲۲۶۹/ بیت ۲)

در این ابیات با رویکردی تمثیلی «صبا» و «نسیم» کنایه‌ای از پیام‌رسان یا پیک دارد که بوی بدن، رخ و بوی زلف یار یا معشوق را برای عاشق به ارمغان می‌آورد. در بیت آخر بوی زلف یار شفا دهنده و التیام بخش زخم‌های عاشق است.

کارکردهای گل در اشعار

گیاهان و در رأس آنها گل و انواع آن در نزد شاعران به عنوان مثالی عینی از زیبایی معشوق جایگاه والایی دارد. به طوری که در زمان‌های مختلف شاعران متعددی برای زیبایی اندام معشوق از نام گل‌های مختلف استفاده کرده‌اند. چشم معشوق را به نرگس و سفیدی معشوق را به یاسمن و یاس تشبیه نموده‌اند. زیبایی کلی معشوق را به گل و عشوه و ناز و عتاب و خطاب معشوق را به خار گل تشبیه نموده‌اند.

شاعران نکته سنج فارسی زبان به خصوصیات و ویژگی‌های گل و گیاهان به خوبی واقف بوده و طی قرن‌ها تشبیهات و استعارات بدیعی از گل و گیاه پدید آورده‌اند. «گل که نماد زیبایی و طول عمر کوتاه است در ادبیات کهن ما جایگاهی والا داشته و معمولاً برای وصف طراوت، خار داشتن در عین زیبایی و عمر کوتاه به کار می‌رود» (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۴۱). «در تمامی مضامین ادبی، اجتماعی، مذهبی و حتی علمی می‌توان ردپایی از گل در ادبیات را یافت به گونه‌ای که این عنصر وصف ناپذیر و خیال انگیز در همه اعصار و قرون توانسته ذوق قریحه آدمی را برانگیزد و در حوزه‌های وسیعی داخل شود تا بتواند هر اندیشه و فکری را به زیبایی بیان کرده و موجب اتفاق نظر افراد با افکار و فرهنگ و آیین متفاوت شود» (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۱۲۸). گل در ادبیات فارسی به غیر از نگاه طبیعت گرایانه شاعران دارای معانی و مفاهیمی شناخته شده است که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌گردد:

الف) زیبایی گل.

ب) تری و تازگی گل.

پ) بشارت گل

گل و بهار، بشارت دهنده‌ی پایان دوران سختی زمستانی و آغاز فرح و طرب و گشادگی بوده است:

غزل شماره ۷ دیوان بیدل دهلوی:

چون جاده تا به راه رضا سر نهاده‌ایم موج گل است بر سر ما جوش نقش پا

(بیدل دهلوی، ۱۳۶۸: ۶۷، غزل ۷ / بیت ۴)

در این بیت تاول‌های نقش بسته بر پای عاشق در راه رضا مندی معشوق وجه مثال گل در نظر گرفته شده است.

ت) بی‌وفایی گل:

در آثار شاعران بی‌وفایی گل بیشتر نشان از کوتاهی عمر گل است.

ث) بی‌نیازی گل:

این کارکرد در هنگام تشبیه گل به معشوق بکار گرفته شده است که نشان از بی‌توجهی معشوق به ناله‌های عشاق دارد. در واقع به بی‌نیازی معشوق نسبت به عاشق توجه دارد. به طوری که انعکاس این کارکرد بیشتر در اشعار حافظ دیده می‌شود.

در غزل شماره ۱۲۶ از دیوان حافظ بلبل کنایه و تمثیلی از عاشق و بی‌توجهی گل به تمثیلی از معشوق و صبا به کنایه و تمثیلی از رابط و پیام رسان عاشق و معشوق مطرح می‌شود.

سحر بلبل حکایت با صبا کرد که عشق روی گل با ما چه ها کرد
(دیوان حافظ، غزل ۱۲۶/ بیت ۱)

همین کارکرد در غزل شماره ۷۴ دیوان خاقانی شروانی نیز دیده می‌شود.
نه میی از قدحت یارم خواست نه گلی از چمنست یارم جست
(دیوان خاقانی، غزل ۷۴/ بیت ۳)

در این بیت خاقانی معشوق را با رویکردی تمثیلی با استفاده از کنایه به قدح می و یا گل در چمن وجه مثال قرار داده است.

گل در ادبیات به خصوص اشعار خواجه حافظ شیرازی رنگ و بویی دیگر داشته و در معانی و کاربردهای مختلفی استفاده شده است. در واقع با توجه به اینکه در بین (۴۹۵ غزل) حافظ، (۲۸۲ غزل) دربرگیرنده گل‌ها و گیاهان است و حافظ در این ۲۸۲ غزل، (۴۹۹ بیت) را خصوصاً به گل‌ها و گیاهان، اختصاص داده است با توجه به این فراوانی در شعر حافظ جایگاه ویژه‌ی طبیعت گیاهی در ذهنیت حافظ که خود را در هیأتی از هنرهای شاعرانه در زبان او پدیدار نموده است نیز آشکار می‌گردد.

در بیت زیر از باب کوتاهی عمر گل در اشعار بیدل دهلوی چنین آمده است:
گداز نیستی از انتظارم برنمی‌آرد ز خاکستر شدن گل می‌کند چشم سفید اینجا
(بیدل دهلوی، غزل ۲۰/ بیت ۴)

در این دو بیت نیز شاعر عمر گل را به کوتاهی عمر دنیا و زندگانی تمثیل نموده است. با عبارت زیبای خاکستر شدن گل به دردی که عاشق از کوتاهی عمر گل یا گذر سریع عمر و از خود بیخود شدن در زمان عشق و فراموشی گذر ایام و پیر شدن در اثر عشق می‌بیند اشاره دارد.

نقش بلبل در اشعار فارسی

شعر فارسی هیچگاه از طبیعت جدا نبوده است و همواره عناصر طبیعی، قلمرو وسیعی را در این عرصه به خود اختصاص داده‌اند. در این میان پرندگان، هم به جهت فراوانی قابل ملاحظه، انعکاس وسیع و نحوه متفاوت حضورشان در شعر از جلوه‌ای خاص برخوردار هستند.

پرنندگان در هر دوره از شعر فارسی متناسب با اندیشه حاکم بر شعر و به گونه‌ای قابل انطباق با شخصیت و طرز تفکر شاعر ظاهر شده‌اند. اما در بین پرنندگان، تصاویر متعددی که از بلبل ارائه شده است بیش از دیگر پرنندگان همسانی و همجواری شاعران را با این عنصر طبیعی نشان می‌دهد (وزیری، ۱۳۶۳). بلبل به جهت صوت خوش و نوای روح بخشش توانست بیش از دیگر پرنندگان در مذاق شاعرانه خوشایند و مطبوع جلوه کند. این اقبال موجب شد این پرنده در هر دوره از شعر فارسی نفوذ کند و به عنوان جانشین شاعر، خصوصیات و ویژگی‌های او را به نمایش بگذارد.

بلبل در اشعار فارسی با اسامی و صفات متعددی خوانده شده است. اسامی و القاب آن عبارتند از: بلبل، عندلیب، مرغ نوازان، مرغ نغمه‌سرا، هزار، هزار دستان، مرغ سحر، مرغ خوشخوان، زند باف. در ادامه چند نمونه شعر در رابطه با این القاب و اسامی آورده می‌شود.

هشیار شو که مرغ چمن مست گشت هان بیدار شو که خواب عدم در پی است هی

(دیوان حافظ، غزل ۴۲۹ بیت ۳)

گر مغان را راز مرغان دیدمی دل به مرغ زندخوان دربستمی

(دیوان خاقانی، ۱۳۸۲: ۶۹۱ بیت ۹)

شب که شور بلبل ما ریشه در گلزار داشت بوی گل در غنچه رنگ ناله در منقار داشت

(دیوان بیدل دهلوی، غزل ۸۱۴، بیت ۱)

از منظر کارکرد صفات بلبل همواره در دنیای خیالی شاعران با دو صفت اصلی معرفی شده است:

(۱) عاشق

از بلبل گل پرست خوش سازتری کبکی و ز دراج خوش آوازتری

(دیوان خاقانی، ۱۳۸۲: رباعی ۳۳۰)

رونق عهد شباب است دگر بستان را می‌رسد مژده گل بلبل خوش الحان را

(دیوان حافظ، ص ۳۴، غزل ۹: بیت ۱)

تحیرگلشن است اما که دارد سیر اسرارش خموشی بلبل است اما که می فهمد زیانش را
(بیدل دهلوی، غزل ۹۲: بیت ۴)

در اشعار حافظ، خاقانی و بیدل دهلوی به وفور مشاهده می گردد که در غزلیات خود عاشق را وجه
مثال بلبل دانسته اند و بلبل را با رویکردی تمثیلی به عاشق مثال زده اند.

۲) شاعر و مظهر فصاحت:

شاعران متعددی چون حافظ، رودکی، کسایی، فرخی و منوچهری بلبل را مظهر فصاحت و نماد
شاعری دانسته اند. این صفت به صورت یک سنت ادبی در اشعار دوره های مختلف برای بلبل در نظر
گرفته شده است. نمونه هایی از این دست عبارتند از:
تحیرگلشن است اما که دارد سیر اسرارش خموشی بلبل است اما که می فهمد زیانش را
(دیوان بیدل دهلوی، غزل ۹۲ / بیت ۴)

به صحرا رو که دامن غبار غم بیفشانی به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
(دیوان حافظ، غزل ۹ / بیت ۱)

با توجه به فصاحت و خوش نوایی بلبل در دیوان اکثر شاعران از جمله حافظ و بیدل دهلوی شاعر
برای خود مثالی جز بلبل قائل نشده و رویکردی تمثیلی نسبت به این کنایه دارد.
با ملاحظه همین کارکرد است که شاعران، ترکیباتی چون «عندلیب فصاحت» و «بلبل نطق» را به
صورت اضافه سمبلیک به کار بردند.

چگونه بلبل ما بال عیش بگشاید که سایه ی گل این باغ چنگل باز است
(دیوان حافظ، غزل ۳۹۹ / بیت ۷)

بلبل از منظر شاعران

نگاهی دقیق به روند بکارگیری کلمه بلبل در شعر فارسی و نقش های متفاوت منسوب به آن، این نکته
عیان می شود که این پرنده در هر دوره از شعر فارسی، تصویری از خود شاعر را نشان می دهد و مقام
و مرتبه اجتماعی او را به تصویر می کشد. بلبل تنها پرنده ای است که شاعران در قالب تصاویر متعدد

هنری، آن را از هر جهت به خود شبیه دانسته‌اند. این نزدیکی تا حدی است که باید گفت تصویر بلبل در شعر فارسی به یک قرارداد ادبی تبدیل شده و به عنوان تصویری از شاعر در طول سنت ادبی فارسی همگام با تحول شعر و نقش آن، راه تحول و تطور را پیموده است. بنابراین به وضوح می‌توان در قالب همین تصاویر و بررسی سیر دگرگونی آن، چشمانداز روشنی از تحول شعر فارسی را نشان داد.

در اشعار عاشقانه حافظ نیز این نوع تصویرسازی از بلبل مدح نظر بوده است. در این اشعار، بلبل تصویر عاشقی را نشان می‌دهد که در وادی پر درد عشق، تجربه‌ها اندوخته و به رموز و راه و رسم عشق‌بازی واقف بوده است. چنانکه خود صریحاً گفته است:

رفتم به باغ صبحدمی تا چینم گلی آمد به گوش ناگه‌م آواز بلبلی
مسکین چو من به عشق گلی گشته مبتلا و اندر چمن فکنده ز فریاد غلغلی
(دیوان حافظ، غزل ۶۶۵ / ابیات ۲۱)

در این ابیات برای عاشق با رویکردی تمثیلی، عاشق در نظر گرفته شده است به خصوص در بیت سوم به طور عیان این وجه مثال بیان شده است. «واله و شیدا است دایم همچو بلبل» به طور مستقیم دو صفت واله و شیدایی عاشق را به بلبل منتسب می‌نماید.

بلبل در مفهوم عاشق در اشعار بیدل دهلوی به وفور به چشم می‌آید:

ریزش خون تمنا، گل‌فروشیهای رنگ پرفشانیهای حیرت بلبل گلزار ما
(بیدل دهلوی، غزل ۱۹۴ / بیت ۳)

چرا عاشق نگیرد از خطش درس ز خود رفتن که بلبل موج جام‌باده می‌خواند رگ‌گل‌را
(بیدل دهلوی، غزل ۱۰۱ / بیت ۲)

خاقانی نیز که همواره به سبب غرور باطنی و مناعت طبعش از ستایشگری شاهان ناراضی بود در ضمن اینکه ناخرسندی خود را از این کار بیان می‌کند بلبل را مداح طماع و صله‌گیر معرفی می‌کند:

صهبا گشاده آبی وزر بسته آتشی است من آب و آتش از زر و صهبا برآورم
بلبل نهام که عاشق یاقوت وزر بوم بر شاخ گل حدیث تقاضا برآورم
(دیوان خاقانی، قصیده ۱۴۸)

در اشعار خاقانی نیز بلبل به صورت مثالی از مدیحه‌سرایی طماع و صله‌گیر در دربار شاهان مطرح می‌شود و گل را نیز به عنوان مثالی از صله‌دهنده یا شاه‌دربار یا مقام‌مورد مدح شده مثال می‌زند. بلبل سرآمد شاعران مداح و سمبل مدیحه‌سرایی است. این گونه است که خاقانی ترکیب «بلبل مدح» را به صورت اضافه سمبلیک بکار برده است:

بلبل مدح اوست خاقانی هم در شکرش آشیانه اوست

(دیوان خاقانی، قطعه ۷۱)

ای بانونی شرق و کعبه‌ی جود من بلبل مدح خوان کعبه

(دیوان خاقانی، قصیده ۱۸۸)

نتیجه‌گیری

خلق مضامینی با الهام‌گیری از عناصر طبیعی مانند باد، باد صبا، گل و بلبل در اشعار شاعران ادوار مختلف ادبیات فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. در این تحقیق اشعار هر سه شاعر مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهد که از این عناصر طبیعی با کارکردهای متنوعی در شعر خود بهره برده‌اند. حافظ از شاعرانی است که شعر او به نوعی با مظاهر طبیعی عجین شده است. در کلام حافظ موج طبیعت بیکرانه است و خون سیال طبیعت در سخنش می‌جوشد. در غزلیات او، طبیعت با چنان مظاهر عظیم و گسترده‌ای جلوه می‌کند که از میان شاعران ایران، جز معدودی انگشت شمار هرگز کسی با این وسعت چشم نگشوده و به زمین و آسمان ننگریسته و نواهای موجود در طبیعت را نشنیده است. حافظ از عوامل طبیعی برای بیان بسیاری از مسائل از جمله مسائل عرفانی، اخلاقی، تربیتی، مسائل اجتماعی عصر خویش، مسائل فلسفی، عواطف درونی و احساسات و تطبیق معقول بر محسوس و ساختن جهان فرا حسی از محسوس و نیز ایجاد فضایی مناسب برای تصویرسازی و گردش اندیشه استفاده می‌کند اما باید گفت که وی برای تبیین هر یک از این مسائل خود را مقید به استفاده از یک شیوه‌ی بیان و یا یک عنصر طبیعی نمی‌کند، به عبارت دیگر، حافظ بنابر ذوق خود، هر یک از مسائل فوق را گاهی در لباس تشبیه و گاهی در قالب استعاره بیان می‌کند. از آنجا که به همه مظاهر طبیعت عشق می‌ورزد تقریباً از تمام عوامل طبیعی برای بیان بهتر مسائلی که در ذهن دارد، استفاده می‌کند. این نمادگرایی را می‌توان رویکردی تمثیلی در اشعار و غزلیات هر سه شاعر مورد بحث دانست به طوری که بلبل به عنوان مثال و کنایه‌ای از عاشق و شاعر، گل به عنوان مثال و کنایه‌ای

از معشوق و باد، نسیم، صبا، باد صبا، نسیم صبحگاهی و نسیم سحری به عنوان مثال و کنایه‌ای از رابط یا پیام‌رسان بین عاشق و معشوق در اشعار و غزلیات هر سه شاعر دیده می‌شود. چنانکه بلبل از دیدگاه حافظ و بیدل دهلوی که در تغزل و سرودن اشعار عاشقانه متبحر هستند با دو کارکرد عاشق و شاعر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که در اشعار شاعری همچون خاقانی که مدیحه سرایی و مدح در شعر او از برجستگی بیشتری برخوردار است بلبل به صورت مدیحه سرا و صله‌گیر نشان داده شده است. اما گل در اشعار حافظ و بیدل دهلوی نسبت به اشعار خاقانی از نمود بیشتری برخوردار است. این دو شاعر گل را به عنوان نماد معشوق در نظر گرفته‌اند که بلبل عاشق برای او تغزل می‌کند و اظهار دل تنگی می‌نماید. در نگاه مشترک هر سه شاعر مورد بحث باد، باد صبا و یا نسیم صبا دارای کارکردی یکسان است به این معنی که باد و به خصوص باد صبا به عنوان یک رابط و ربط دهنده که پیام‌آور هر دو طرف (بلبل و گل) (عاشق و معشوق) دیده می‌شود. البته این پل ارتباطی (باد صبا) گاهی از بلبل به گل پیام می‌رساند و گاهی نیز بوی معشوق را برای عاشق می‌آورد. آنچه مشخص است استفاده از تمثیلات علاوه بر اشعار حافظ تا حدودی در اشعار خاقانی و بیدل دهلوی نیز قابل مشاهده است.

منابع و مأخذ

۱. ایرانی، محمد؛ منصوری، زهرا. (۱۳۹۰). کارکردهای هنری گل و گیاه در شعر حافظ سبکی جدید در مضمون آفرینی، نشریه سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، بهار، شماره ۱۱، صفحات ۳۲۹-۳۳۸.
۲. بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق. (۱۳۹۲)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات زوار، چ سوم.
۳. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی فرهنگی، چ دوم.
۴. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۸)، دیوان، بکوشش قاسم غنی و محمد قزوینی، تهران: انتشارات زوار، چ هفتم.
۵. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۷۸)، دیوان اشعار، تهران، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، زوار، چ ششم.
۶. دیوبک‌کور، مونیک. (۱۳۷۶). رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز.
۷. سیف، عبدالرضا. (۱۳۷۹). باد در دیوان حافظ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار و تابستان، صفحات ۱۶۳-۱۷۵.
۸. فدوی، طیبه. (۱۳۹۲). تحلیل و بررسی اهداف حافظ از بکارگیری عوامل طبیعی در شعر، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال پنجم، شماره ۱۶، صفحات ۱۳۳ تا ۱۵۴.

۹. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۵۷). در گلستان خیال حافظ، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی.
۱۰. کیا، علی اصغر؛ ثقه‌ای، سعید. (۱۳۹۰). مطالعه نقش‌های باد صبا در شعر حافظ از منظر ارتباطی، نشریه جهانی رسانه، بهار و تابستان، شماره ۱۱، صفحات ۳۲-۴۷.
۱۱. گی آر تور. (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر دیوان حافظ، ترجمه حسین فروتن، تهران؛ نشر عطایی، چ دوم.
۱۲. مال میر، محمد ابراهیم. (۱۳۹۶). گل در آینه تلاوت ادب عرفانی، نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی، سال یازدهم، شماره اول، پیاپی ۳۲، بهار، صفحات ۶۶-۳۷.
۱۳. وزیری، علی‌نقی. (۱۳۶۳). زیبا شناسی در هنر و طبیعت، تهران، انتشارات هیرمند، چ سوم.
۱۴. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، چ چهارم.

References

1. Irani, Mohammad; Mansoori, Zahra. (2012). Artistic Functions of Flowers and Plants in Hafez's Poetry, A New Style in Thematic Creation, *Persian Stylistics Journal (Bahar Adab) Bahar*, No. 11, pp329-338. (In Persian)
2. Bidel Dehlavi, Abdul Qadir bin Abdul Khaliq. (2014). *Poetry Divan*, Tehran; Zavar Publications, third edition. (In Persian)
3. Pournamdarian, Taqi. (2008). *Mysteries and mystery stories in Persian literature*. Tehran: Scientific Science, Second Edition. (In Persian)
4. Hafiz, Shamsaldin Mohammad. (2000). *Divan*, by Qassem Ghani and Mohammad Qazvini, Tehran: Zavar Publications, seventh edition. (In Persian)
5. Khaghani Shervani, Afzaluddin Badil. (2000). *Poetry Divan*, Tehran, edited by Zia-ud-Din Sajjadi, Zovar, sixth edition. (In Persian)
6. Dubokor, Monique. (1998). *Living codes of life*, translated by Jalal Sattari, Tehran, Markaz Publishing, first edition. (In Persian)
7. Seif, Abdul Reza. (2001). *Wind in Hafez Divan*, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, Spring and Summer, pp. 163-175. (In Persian)
8. Fadavi, Tayyeba. (2014). Analysis and study of Hafez's goals of using natural factors in poetry, *Quarterly Journal of Persian Language and Literature*, Fifth Year, No. 16, pp. 133-154. (In Persian)
9. Farshidvard, Khosrow. (1979). *In Golestan Khayal Hafez*, Tehran, Nouriani Charity Foundation, first edition. (In Persian)
10. Kia, Ali Asghar; Thighi, Saeed. (2012). A Study of the Role of Bad Saba in Hafez's Poetry from a Communication Perspective, *World Media Journal*, spring and Summer, Issue 11, Pages 32 – 47. (In Persian)
11. Gay Arthur. (1991). *Introduction to Hafez's Divan*, translated by Hossein Forootan, Tehran; Atai Publishing, Second Edition. (In Persian)

12. Malmir, Mohammad Ibrahim. (2018). Flowers in the Mirror of Recitation of Mystical Literature, *Journal of Mystical Literature Research*, Year 11, Issue 1, Series 32, Spring, Pages 66 – 37.
13. Waziri, Alinaghi. (1985). *Aesthetics in Art and Nature*, Tehran, Helmand Publications, Third Edition. (In Persian)
14. Yahaqi, Mohammad Jafar. (2008). *Culture of Myths and Stories in Persian Literature*, Tehran, Contemporary Culture, Fourth Edition. (In Persian)